

چراغی که به خانه رواست ...

کم محتوایی که به راحتی چاپ می‌شود که مثل و مانند آنها سالها و بارهاست که چاپ می‌شود و این تصویری است از وضعیت نشر در کشور و پاسخی است به سفارش اجتماعی گروهی از مردم که باید آسیب‌شناسی و راههای علاج آن شناخته شود.

برای ترسیم چشم‌انداز تعالی فرهنگی باید توفیقات و دستاوردهای علمی و هنری گذشتگان را بیشتر مورد توجه قرار داد. ملتی که در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، مجلی و مظهر عالمانی چون خواجه نصیرالدین طوسی‌ها و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی‌ها و ملاصدراها بوده است، می‌تواند در عصر جدید هم‌چنان شخصیت‌هایی را تربیت کند و چنان آثاری را پدید آورد. به یک مورد که مربوط به حوزه نسخه‌های خطی است اشاره می‌کنم. الان در سطح مدیریت کتابخانه‌های بزرگ کشور آنچه حاکم است سلايق و برداشتهای شخصی از قوانین و موقوفات است.

یادم آمد این کلام از جاحظ که این سخن حضرت امیر مؤمنان علی (ع) را فصیح‌ترین کلام عرب ذکر کرده است: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يُحْسِنُهُ» یعنی ارزش هر انسانی به دانایی و توانایی و تخصص و کاردانی اوست. اگر حق و شایستگی به «وضع الشيء في موضعه» است، پس عمل

جریان نشر کتاب و نشریات در کشور، به رغم رشد کمی، همچنان در وادی سردرگمی و گویا تابع قاعده‌ عرضه و تقاضا، در مسیری گام بر می‌دارد، که هویت ملی و پایه‌های مذهبی را به مخاطره می‌اندازد. چاپ مکرر کتابهای تعبیر خواب و داروخانه معنوی ناب و کرامات و طامات، گویای اقبال گروهی از مردم به این کتاب‌نماهاست. اگر سیاست‌گذاری فرهنگی کشور به گونه‌ای بود که بخشهای متولی و مسئول رسانه‌های صوتی و تصویری و جراید و کتاب و ... به جای اینکه خود متمرکز در انجام امور شوند، موضوعات و سوژه‌های مورد نیاز جامعه را اعلام می‌کردند و به ابتکارات بهتر و آثاری که یک خلأ فرهنگی را پر می‌کنند یا گویای دردها و درمانها هستند، در هر قالبی که باشند، شعر و رمان و داستان کوتاه یا پژوهش و ترجمه و تصحیح متون، توجه می‌کردند آنگاه چنین وضعیتی پیش نمی‌آمد. حرکت فرهنگی پویا و سازنده، حرکتی است که تشنگان را دریابد و عطش ایجاد کند. سیاست‌گذاری فرهنگی همه دستگاهها باید هماهنگ و همسو و هر یک مکمل دیگری باشند تا آثار یکدیگر را خنثی نکنند. سیاهه کتابهایی که هر هفته گزارش می‌شود، و حتی کتابهای کمک‌درسی برخی مؤسسه‌ها، بازار گرم کتاب‌سازیه‌ها، رواج کتابهای جلد زرد، کتابهای

نکردن به این حقیقت یعنی شنا کردن بر خلاف جهت آب رودخانه، یعنی آب در هاون کوبیدن. و قلیل من عباد که وارد کارهای فرهنگی شده‌اند و لکن اکثرهم لایفقهون. مثلاً دانشجویی به کتابخانه‌ای مراجعه می‌کند، لوح فشرده‌ای از نسخه مورد پژوهش خود را دریافت می‌کند و خوشحال از در کتابخانه خارج می‌شود. همان دانشجو به کتابخانه دیگری مراجعه می‌کند، از او تعهداتی می‌گیرند که شاخ درمی‌آورد و دردش را برای ما می‌آورد و دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. یا مدیر لایق و کاردان کتابخانه‌ای برای استفاده آسان محققان تصویر شش‌هزار نسخه را روی شبکه اینترنت می‌گذارد و مدیر کتابخانه دیگر اعتراض می‌کند که چرا چوب حراج به بیت‌المال زده‌اند. غافل از اینکه نیت واقفان استفاده بهتر و در اختیار قرار دادن موقوفه به اهل آن است و چه کسی شایسته‌تر از یک محقق و دانشجوی علاقه‌مند به این کارهایی که معرف فرهنگ و تمدن بزرگ ایران اسلامی است و کمتر کسی وقت و عمر خود را صرف این امور بی‌اجر و مزد می‌کند. از سوی دیگر، اعتماد و اتکای به نفس برای حراست از هویت ملی و دینی، جز با شناخت خود ممکن نیست. کلامی از جاحظ گفتیم، سخنی هم از حافظ بگویم که «آخر به چه گویم هست از خود خبرم چون نیست». در فرهنگ دینی و عرفانی ایرانی، خودشناسی «من عرف نفسه» مقدم بر هر چیزی است. و ما تا هویت ملی خود را احیا نکنیم و هم از باب «چراغی که به خانه رواست» و هم رمز و راز توفیقات پدران خود را ندانیم، چگونه می‌توانیم راه آینده را هموار کنیم. وقتی بسترهای لازم و زمینه‌های رشد و شکوفایی و شناسایی استعدادها و حمایت و حراست از آنها فراهم شد، نوآوریها و خلاقیتها بروز می‌کند. یکی از توفیقات میراث مکتوب علاوه بر رشد کمی و کیفی حوزه پژوهش و نشر متون، شناسایی و حمایت از جوانان علاقه‌مند به تصحیح و پژوهش آثار و مآثر و موارث پیشینیان بوده است. به همین دلیل کارهای متوسط آنها را مردود و مرجوع نکرده و اشکالات کارشان را حضوری — وَجْهًا لَوْجَه — گوشزد نموده است و دست‌کم کاری را

می‌کند که استادان مشاور و راهنمای او می‌بایست انجام می‌دادند و چه بسیار کسانی که از این رهگذر، جوایزی مشمول حالشان شد که گوارای وجودشان. به قول مرحوم زریاب که خود یافته گوه‌رشناس دیگری بود، «اگر دست جوان لایقی را بگیری، تو هم در توفیقات و دستاوردهای او سهیم هستی».

به هر روی، شانزده سال از عمر ما بر سر میراث شد، «هرچند که ناید باز تیری که بشد از شست». و سالی تلخ و شیرین و عسر و یسر را — معاً — به سر کردیم. تلخی و عسر نه از آن روی که بابت تألیف کتاب حال دوران و دو جایزه‌ای که از آنم در سال گذشته عاید شد، بل بدان سبب که ایام، به دوران حال‌گیری بدل گشت و روزی سالانه میراث قطع شد و «چنان قحط سالی شد اندر تراث» که می‌رفت نه از تاک نشان ماند و نه تاک‌نشان. با این حال توفیق نشر سه اثر دینی و ملی، افتخار‌آورترین آثار دوران شانزده سال تلاش‌شان به حساب آمد. چاپ عکسی علی‌نامه کهن‌ترین منظومه حماسی شیعی در قرن پنجم و چاپ عکسی الابنیه کهن‌ترین متن فارسی تاریخدار موجود در جهان، کتابت ۴۴۷ به خط اسدی طوسی و نیز چاپ ترجمه قرآن از تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی که سند مرجعی برای مترجمان و قرآن‌پژوهان خواهد بود. شیرینی این سه کار چنان به کام نشست که تلخی ایام قحط رخت بریست.

حال که چراغ کلبه احزان میراث رو به روشنایی است عزم خود را جزم کرده تا با به‌کارگیری اندوخته‌های سالیان گذشته، جریان اصیل پژوهش آثار و مآثر و موارث نادره کاران فرهنگ و تمدن اسلام و ایران یا ایران اسلامی یا میراث مکتوب ایرانی، در سطح کشور رونقی دوچندان یابد و از هر توان و استعدادی برای حفظ و احیای آثار فرزندان که به یادگار نزد ماست، بهره‌یاب گردیم تا آنچه تاکنون بر آثار آنان و ترتب امور نیک بر آن آثار نوشته‌اند، بر ما نیز بنویسند. چنانکه فرمود: «ونکتب ما قدموا و آثارهم» (سوره یس / ۱۹).

